

قصاص در قران

از: دوست

4 بار مشتقات قصاص در قران ذکر شده اند.

2 بار بصورت "القصاص" و دو بار بصورت "قصاص"

القصاص در آیات 178 و 179 سوره بقره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ (ره) وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ

أَحِبِّهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ (ته باع) بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ

أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید در باره کشتگان بر شما [حق] قصاص مقرر شده آزاد عوض آزاد و بنده

عوض بنده و زن عوض زن و هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول] چیزی [از حق

قصاص] به او گذشت شود [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند و با [رعایت]

احسان [خوبها را] به او بپردازد این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست پس هر کس بعد از

آن از اندازه درگذرد وی را عذابی دردناک است (۱۷۸)

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾

و ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی است باشد که به تقوا گرایید (۱۷۹)

قصاص هم دو بار در سوره ۵: المائدة - جزء ۶ و سوره ۲: البقرة - جزء ۲

ذکر شده

سوره مائده:

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ

تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٥﴾

و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان می باشد و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند و هر که از آن [قصاص] درگذرد پس آن کفاره [گناهان] او خواهد بود و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند آنان خود ستمگرانند (٤٥)

سوره البقرة:

الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا

أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾

این ماه حرام در برابر آن ماه حرام است و [هتک] حرمتها قصاص دارد پس هر کس بر شما تعدی کرد همان گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوایندگان است (١٩٤)

در برابر واژه قصاص که 4 مرتبه در قران آمده، مشتقات واژه عفو 35 مرتبه در قران ذکر شده است. قصاص، از ماده «قص» GHAS به معنای جستجو و پی گیری از آثار چیزی است و هر امری که پشت سر هم آید، عرب آن را «قصه» می گوید و از آنجا که قصاص، قتلی است که پشت سر قتل دیگری قرار می گیرد این واژه در مورد آن به کار رفته است (از ویکی فقه)

الف: توضیحی کوتاه در مورد آیات قصاص قران و پاره ای از برداشتهای سطحی نادرست تاریخی در این زمینه

1. دقت در متن آیات نشان میدهد که منظور آیات این نیست که قطعا صاحبان حق (بازماندگان مقتول یا مجروحان) باید بهر نحو شده از طرف مقابل، قصاص بعمل آورده و مقابله بمثل کنند، چون در ادامه آیه قصاص، قران امکان عفو یا دیه در قبال خون ریخته شده یا صدمه وارده را مطرح میکند

2. عده ای چنان این توصیه قرانی را گسترش داده اند که گویی برای هر نوع جنایتی میتوان مقابله بمثل کرد، در حالیکه اهانت های کلامی، تعدی های جنسی و تبهکار هایی که ماهیت دستبرد و دزدی و داشته و یا مواردی که به نحوی با آبروی انسانها و عفت عمومی گره میخورند، مشمول این حکم نمیشوند. قابل توجه است که قصاص یک جانی (در اینجا منظور اعدام مجرم است) حتی برای جنایتی که بصورت بسیارشنیعی صورت گرفته اند، برای مثال، قصاص کسی که انسانی را در آب خفه کرده و یا در آتش سوزانده است، خفه کردن در آب و یا سوزاندن وی در آتش نیست، بلکه مجرم در همه حالات، مطابق روش جاری اعدام قاتلین در جامعه متبوعش اعدام میشود.

3. خطای عمده در نحوه نگرش باینگونه آیات قران، تا جایی که بسیاری به چگونگی اجرای احکام قصاص بمثابه حقی مقدس و غیر قابل تغییر و یا تعویض و حتی غیر قابل تامل در آثار و جوانب آن در جامعه (بمعنی اخص، جوامع مدعی داشتن حکومت های اسلامی) نگاه کرده اند

4. بسیاری باین نکته توجه ندارند که آیه قصاص صرفا از جرم و جنایتی که از روی عمد بمنظوراز میان برداشتن و کشتن فردی روی میدهد سخن میگوید و نه هرگونه مرگ و یا قطع عضوی که سهوا در یک درگیری یا حادثه ای پیش میآید

ب: مطالعه و بررسی آیات قصاص

1. در واقع، مطالعه آیات قصاص بوضوح نشان میدهد که نه تنها این حکم قران، دستوری قطعی برای قصاص کردن مجرم و تاکید بر انتقامجویی نیست، بلکه عمدتا توصیه ایست برای انسان و جوامع انسانی در جهت محدود کردن و کنترل روح سرکش و انتقامجویانه در انسانها.

پزبان دیگر، حکم قصاص حکمی است محدود کننده، و نه فرمانی قاطع و قطعی برای انجام دادن قصاص از مجرم. در اینمورد بیشتر خواهیم گفت. اما ابتدا به تاریخ تمدن بشری نگاهی بیندازیم.

برای تاکید بیشتر و درک بهتر از موضوع قصاص، خداوند در ادامه آیه 178 سوره بقره میگوید:

این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماسست پس هر کس بعد از آن از اندازه درگذرد وی را عذابی دردناک است (چون خداوند به نفس سرکش و انتقامجوی انسان آگاه است و میداند که وی بسادگی تن به چنین حکمی که او را در مجازات فرد خاطی محدود میکند، هم نخواهد داد). در سوره بقره آیه 194 هم ادامه میدهد: ... [هتک] حرمتها قصاص دارد پس هر کس بر شما تعدی کرد همان گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوایپیشگان است) باز هم تاکید بر کنترل رفتار در مقابل کسانی است که هتک حرمت کرده اند و میگوید فقط در حد بیحرمتی شان به آنها پاسخ مناسب دهید نه بیشتر، اگر بواقع در زمره تقوایپیشگان هستید)

به تاریخ زندگی بشر و ویژگی های روانشناختی انسان که بنگریم بوضوح در می یابیم که کمتر دیده شده و میشود که انسان در شرایطی که حقی از او سلب شده یا جنایتی بر علیه او انجام شده قادر به کنترل خود و رعایت انصاف و عدالت باشد و همواره با روشی خشن تر و افسار گسیخته در صد انتقامجویی بر میآید و از حدود مقابله بمثل پا فراتر گذاشته و جنایت را با جنایاتی بدتر و شدید تر پاسخ میدهد. بوفور دیده شده که گاه بدلیل یک قتل، یک خانواده، یک قبیله، یا یک قوم قتل و عام شده اند ورشته دشمنی بین آنها چه بسا سالها و قرنها ادامه یافته و گویی پایانی بر بعضی از آنها متصور نیست. دایره انتقامجویی در مواردی چند در تاریخ از دایره ی قوم و ملت هم فراتر رفته و گریبانگیر کشورهای همسایه و در مواردی نیز جنگ های خاتماسوز جهانی شده است (هرچند معمولا برای شروع جنگهایی در این وسعت، دلایل متعدد دیگری نیز وجود دارد). براستی چند بار برای خودمان رخ داده که کسی توهینی نسبت بما روا داشته و ما در حدی شدید تر مقابله بمثل نکرده باشیم و یا حداقل

در ذهن خویش طرحی بمراتب شدید تر و نامتناسب تر از توهین مربوطه در ذهن مان نه پرورانده باشیم؟

جنگ جهانی اول در پی ترور ولیعهد امپراتوری اتریش - مجارستان توسط یک ملی‌گرای صرب، در سارایاوو بوسنی به وقوع پیوست. در نتیجه این اقدام تروریستی، اتریش-مجارستان به صربستان التیماتوم داد. امپراتوری روسیه که متحد صربستان بود دست به بسیج نیروهای خود زد که این خود موجب نگرانی متحد اتریش-مجارستان، یعنی امپراتوری آلمان شد. آلمان برای جلوگیری از یک جنگ دو جبهه‌ای به متحد روسیه، یعنی فرانسه حمله کرد. برای سرعت بخشیدن به روند حمله به خاک فرانسه، ارتش آلمان طرح اشلیفن را اجرا کرد که به موجب آن نیروهای آلمانی از خاک بلژیک برای حمله به فرانسه بهره می‌بردند. تجاوز آلمان به خاک بلژیک باعث شد که متحد این کشور، یعنی امپراتوری بریتانیا نیز به آلمان اعلان جنگ دهد (از ویکی پدیا، دانشنامه آزاد "جنگ جهانی اول"). در این جنگ 4 ساله بیش از هفده و نیم میلیون نفر کشته و یا مفقود الاثر شده و قریب به بیست و یک و نیم میلیون انسان دیگر هم مجروح گردیدند. بعضی از کشورها هم از اوضاع آشوب زده و نا آرام جهانی بهره برده و به نسل کشی های فجیعی که بعضا از پیش برنامه ریزی شده بود، زدند. نسل کشی ارمنه، کردهای علوی، آشوری ها و یونانی ها در همین زمان روی داد. توجه کنیم که اینهمه کشتار خانمانسوز، در ابتدا تنها با قتل یک نفر آغاز شد!

2. آیه قصاص حکم به محدود کردن قصاص یک جان و یا عضو در قبال از دست دادن یک جان (یک نفر) و یا یک عضو سخن میگوید. توجه کنیم که آیات احکام در قران، حد نهایی مجازات را میگویند و لذا چنانچه بهر دلیل حاکم تشخیص داد که میتواند تخفیفی در مجازات قایل شود، مجاز است حتی تا میزان بخشودگی کامل، حکم صادر کند. اینکار نه تنها مجاز است بلکه مرتبا از فحوای کلام قران در می یابیم که قران از انسان مومن مدعی خدادوستی و خدانشناسی، چنین انتظاری دارد. در سوره مانده آیه 45 در ادامه می آید که: هر که از آن [قصاص] درگذرد پس آن کفار [گناهان] او خواهد بود و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند آنان خود ستمگرانند (توصیه مجدد خداوند به اینکه از قصاص در گذرید که به نوعی کفار بعضی از کجرویهای پیشین خودتان خواهد شد و اگر از حد قصاص تعیین شده پا فراتر گذارید خود نیز در زمره ستمگران خواهید بود! یعنی کسی که در حق او ظلمی روا شده بود اگر در مسیر قصاص از مجرم، از حد خود تجاوز کند او خود نیز ستمگر دیگری بشمار خواهد آمد)

3. اما یکی از دلایل عمده ای که آیه 179 سوره بقره به انسان متذکر میشود که در قصاص "حیات" است اینستکه، با رعایت حکم قصاص، انسانهای ضعیف ترو بی نام و نشان هم در جامعه از گزند قدرتمندان مصون بمانند. تصور کنید قدرتمندان روزی در یابند که حد و مرز و قانونی در جامعه وجود نداشته و میتوانند هر کاری را برای رسیدن به اهدافشان انجام دهند و از محاکمه و پرداخت تاوان معاف و یا مصون اند... در حال حاضر در همه دنیا شاهدیم که صاحبان قدرت چگونه مستقیم و غیر مستقیم برای رسیدن به اهداف خود مرتکب هرگونه جنایتی میشوند و از طریق راههای قانونی و یا دور زدن آن و یا مقصر جلوه دادن دیگران، در بسیاری از موارد مصون هم می مانند. می بینیم که، آیه قصاص هیچ استثنایی برای هیچ مقامی قائل نشده، تا آشکارا نشان دهد که همه در برابر چنین حکمی یکسان اند و منصب اجتماعی بالا در جامعه نمیتواند مصونیتی برای مرتکبین به جنایت ایجاد کند.

4. اما بعضی ها اشکال میگیرند که اصولا چه ضرورتی داشته که قران موضوع قصاص را مطرح کند بد نیست توجه کنیم که: اولاً چه قران چنین حکمی را مطرح میکرد یا نه، همه جوامع انسانی بدون استثنا با مسئله تبهکاری و جنایت (هم از نوع عمدانه و هم از نوع غیر عمد آن) درگیر هستند و هیچ

کشوری را گریزی از آن نیست. لذا حتی اگر قرآن هم هیچ توصیه ای در اینمورد نداشت، بهر حال، قانونگذاران و مردم به ناچار خود حدود و راهکارها و قوانینی را در مورد نحوه برخورد با جانیان و کنترل تبهکاری در جامعه وضع میکردند، همانگونه که هم اکنون دیگر هیچ کشوری را نمیتوان سراغ گرفت که چنین ضوابطی را وضع نکرده باشد. دوما، خداوند که با ساختار روان انسان بیش از خود او آگاهی دارد، با ذکر حکم قصاص در قرآن، ضمن اینکه به آن جنبه حکم و توصیه ای الهی میدهد، و آنرا روشی برای کنترل خشونت و جنایت مطرح میکند (بخصوص از جانب افرادی که از قدرت و مکننت نسبی بیشتری برخوردارند و میتوانند در صورت عدم وجود این توصیه از جانب خداوند، با سو استفاده از جایگاه اجتماعی شان آسانتر از دیگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود دست به جنایت و تبهکاری بزنند، همانگونه که هم اکنون نیز اینرا در بسیاری از کشورهای قدرتمند بروشنی شاهدیم) و در آخر آیه از قصاص با وصف و محدوده ای که گفته شد، بمثابة امری حیاتی در اجتماع انسانها نام میبرد.

برخی هم ادعا کنند که چنین قانونی صرفا برای جامعه بدوی و قبیله ای اعراب مصداق داشته و قرآن بهمین منظور آنرا ذکر کرده است. هرچند این موضوع درست است که در جامعه بدوی اعراب، قبایل با خشونت با یکدیگر برخورد میکردند و گاه در مقابل قتل یکی از افراد قبیله خود قبیله مقصر را به خاک و خون میکشیدند، اما مراجعه به تاریخ تمدن بشر، خلاف این ادعا را نشان میدهد و قریب به اتفاق همه ملتهای دیگر هم در تاریخ بیش و کم با اندک اختلافی، در چنین مواردی بشکل افراطی افسار گسیخته مشابه با آنچه در عربستان در دوران ابتدایی اسلام میگذشت، عمل میکرده اند. بهر حال، بهیچوجه در این آیات نمی بینیم که قرآن تاکید داشته باشد بر اینکه در هر زمان و هر شرایطی قطعا باید خون مجرم ریخته شده و یا عضوی از بدن او بدلیل جرمش از بدن جدا شود، بلکه ضرورت وجود چارچوبی قانونی مشابه قصاص را در جامعه، امری حیاتی اعلام میکند (بدلایلی که گفته شد). در واقع این آیات متذکر میشوند که، جامعه انسانی به قوانین و ضوابط محکم و منطقی نیاز دارد (از جمله قانون حرمت خون انسان- قانون قصاص) اما در مرحله عمل به قوانین، این وجه متعالی الهی درون انسان، یعنی گذشت و مروت است که باید مورد نظر باشد و قرآن میخواهد که همواره انسانها متعالی بیاندیشند و با الهام از رحمت بیکران خداوند، متعالی و با چشمداشت از خدا و نه بندگان خدا، با مروت و مرحمت و گذشت با یکدیگر برخورد کنند. قرآن میگوید، "ای انسان، اگر هم مایل به مقابله بمثل هستی، حداکثر میتوانی یک جان، یا یک عضو بدن را در قبال جان و یا عضو از دست رفته مطالبه کنی و نه بیشتر و در این حق نیز اگر خدای رحمان خود را می شناسی و مایلی که خداوند از کجروی ها و گناهان خودت در گذرد، عفو و یا عفو بهمراه دریافت وجهی متناسب با جرم، بهترین روش مورد نظر خداوند برای توست". البته در دوران گذشته، بریدن حداقل یک عضو در قبال عضو از دست رفته، امری رایج و معمولی بوده، ولی امروزه ضرورت دارد که به بخش دوم آیه که عفو و دریافت وجه مصالجه را ذکر میکند، توجه شده و جاهلانه فریاد بر نیاوریم که گویا حکم خدا را پشت گوش انداخته ایم زیرا که کنه همه احکام خدا و ذکر مکرر رحمانیت خدا در قرآن، گرایش به آسانگیری با مردمان در زندگی اجتماعی شان با یکدیگر و نه سختگیری در مقابل همدیگر را فریاد میکنند و این آسانگیری به فرمان خدا امروز نزدیکتر است.